



انترناسیونال

ضمیمه



حزب کمونیست کارگری ایران

ضمیمه ۵۱۲ شنبه ۱۵ تیر ۱۳۹۲

۶ جولای ۲۰۱۳ - ۱۰ صفحه

موقعیت کنونی جنبش کارگری

گفتگو با شهلا دانشفر

در حاشیه پلنوم ۴۰ حزب کمونیست کارگری سمیناری از طرف شهلا دانشفر برگزار شد. موضوع این سمینار جنبش کارگری ایران بود و در آن در مورد پیشرفت ها و دستاوردهای این جنبش و همچنین چالش هایی که کارگران ایران با آن مواجه هستند و افق و چشم انداز مبارزات کارگران بحث شد. طرح این سمینار فرصتی فراهم کرد تا با شهلا دانشفر به گفتگو بنشینیم و سؤالیهای را درباره جنبش کارگری ایران با ایشان مطرح کنیم. با تشکر از شهلا دانشفر.

انترناسیونال: شهلا دانشفر

شما در سمینار خود تصویری اولیه از وضعیت جنبش کارگری ارائه دادید. طبعاً جنبش کارگری را از جنبه های مختلفی می شود مورد ارزیابی قرار داد. اولین سوال من اینست که هم اکنون به نظر شما جنبش کارگری ایران در چه وضعیتی قرار دارد؟

شهلا دانشفر: به جنبش کارگری باید در متن شرایط سیاسی جامعه نگاه کرد. امروز میبینیم که اقتصاد جامعه از هم پاشیده است. نزاعهای درون حکومت بیش از هر وقت بالا گرفته است. تحریم های اقتصادی فروپاشی اقتصادی را تشدید کرده

است. طرح کذایی هدفمند کردن یارانه هایشان که قرار بود با تحمیل ریاضت اقتصادی به جامعه، اقتصاد جمهوری اسلامی را از رکود و بحران بیرون بیاورد، خود به يك موضوع داغ دعوا در حکومت تبدیل شده است. کل این بهم ریختگی اقتصادی، قطع یارانه ها و تحریمها و فلج اقتصادی، فشار اصلیش بر دوش کارگران و اکثریت مردم است. بطوریکه هم اکنون گرانی سرسام آور، دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر، بیکاری چندین میلیونی و بیکارسازیهای گسترده کارگران، معضل دستمزدهای معوقه، تعرضات هر روزه رژیم اسلامی به زندگی و معیشت کارگران و توده های مردم، نبود هیچگونه تامین اجتماعی، معضل دسترسی به دارو و دکتر و خلاصه اینکه فشارهای اقتصادی کمرشکن، زندگی میلیون ها کارگر و کل جامعه را به تباهی کشانده و ابعاد غیر قابل تصویری به فقر و محرومیت جامعه داده است. اما در برابر این فقر، جنبش اعتراضی کارگری يك عرصه دایمی مبارزه با رژیم اسلامی است. در این شرایط مردم ایستاده اند و جامعه به مرز انفجار رسیده است.

به عبارت روشنتر روند اوضاع سیاسی در ایران بسرعت به سمت يك رودرویی گسترده و جدی

جنبش کارگری به لحاظ اشکال اعتراضی و خواستههایی که طرح میکند گامهای مهمی به جلو برداشته است و میتوانم بگویم که با شرایط نوین و جدیدی در جنبش کارگری روبرو هستیم

مردم با حکومت میروند، که محور اصلی این رودرویی اقتصاد و معیشت کارگران و کل جامعه است. به اعتراضات هر روزه کارگری باید در متن چنین شرایطی نگاه کرد و وزن و جایگاهش را دید. روزی نیست که شاهد حرکت و اعتراضی در این کارخانه و آن محل کار و در شهرهای مختلف نباشیم. بطور مثال اگر به اعتراضات کارگری در ۶ ماهه اخیر نگاه کنید شاهد کشیده شدن اعتراضات به مجتمع های بزرگ و مراکز کلیدی کارگری چون پتروشیمی ماهشهر، ذوب آهن اصفهان، پالایشگاه آبادان و غیره با خواستههایی چون کوتاه شدن دست پیمانکاران و خواست افزایش دستمزدها هستیم. این درحالی است که فضای مراکز و محیط های کارگری و اساساً کل جامعه حالتی انفجاری به خود گرفته است.

در روند این مبارزات هر روزه خصوصاً در یکساله اخیر می بینیم که جنبش کارگری به لحاظ اشکال اعتراضی و خواستههایی که طرح میکند گامهای مهمی به جلو برداشته است و میتوانم بگویم که با شرایط نوین و جدیدی

در جنبش کارگری روبرو هستیم. بطور مثال امروز می بینیم که کارگران در کنار خواستههای صنفی خود، همانند اعتراض علیه تعویق دستمزدها و یا بیکارسازیها و غیره، دارند خواستههای عمومی تر اجتماعی که خواستههای کل جامعه نیز هست را هم به میان میکشند. این اتفاق مهمی در سیر تحولات جامعه است. به همین حرکت طومار چهل هزار کارگر با خواست افزایش دستمزدها نگاه کنید. خود این حرکت تصویر روشنی از حال و هوای جنبش کارگری میدهد. میبینید که چگونه کارگران دارند راههای گرد آمدن حول خواستههای سراسری شان را پیدا میکنند و جلو می آیند. این کارگران با برافراشتن پرچم اعتراض علیه فقر و گرانی و با خواست افزایش فوری دستمزدها بطور واقعی فریاد اعتراض کل جامعه را به صدا در آوردند. چنین حرکت متحد و سازمانیافته ای آنها حول يك خواست سراسری يك اتفاق مهم در جنبش کارگری است.

يك نمونه برجسته دیگر از این پیشروی ها بیانیه کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان با

موقعیت کنونی جنبش کارگری

از صفحه ۱



روز محیط های کار از کارگران قربانی میگیرد، اعتراض کردند.

حمایت خود را به شکل های مختلف از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی اعلام کردند. به مردم ترکیه در اعتراضات اخیرشان علیه دولت اسلامگرای اردوغان و قوانین ارتجاعی اسلامی و سیاستهای ریاضت اقتصادی اش، پیام دادند و اعلام همبستگی کردند. با کارگران در برزیل و اعتراضات اخیر گسترده مردم در این کشور که علیه گران شدن هزینه ترانسپورت و فساد دولتی و صرف بودجه های گزاف

فضای رادیکال و سیاسی امروز جنبش کارگری را نشان میدهد. در این بیانیه ها قتل افشین اسانلو در زندان را محکوم کردند و خواستار رسیدگی به این جنایت شدند. قتل ستار بهشتی را محکوم کردند. همگام با کمپینی جهانی اعتراض خود علیه حکم اعدام لقمان و زانیار را اعلام نمودند. با مردم زلزله زده آذربایجان اعلام همدردی کرده و خواستار یک زندگی انسانی برای آنان شدند. جنایتی را که در

مدرسه شین آباد پیرانشهر روی داد و به خاطر ناامنی مدرسه ۲۸ کودک طعمه حریق شدند را محکوم کرده و خواستار مجازات عاملین این جنایت و درمان فوری کودکانی که از آتش سوزی جان سالم بدر برده بودند شدند. در برابر مضحکه انتخابات رژیم اسلامی، خواستهایشان را به میان کشیدند و اعلام کردند که در این مضحکه نماینده ای ندارند و رای نمیدهند. وقتی به هر دلیلی اسم روحانی از صندوق رای رژیم بیروی آمد، خطاب به او نامه دادند که شما نمیتوانید با وعده ۴۰ درصد افزایش سطح دستمزد چند بار زیر خط فقر سال گذشته

در عین حال همه این اتفاقات نشان از این دارد که جنبش کارگری هر روز متحدتر و سازمانیافته تر بعنوان یک جنبش فعال و بالنده دارد گامهایی را آرام به جلو برمیدارد.

انترناسیونال: در سمینار خود شما به اشاره ای به مقطع برگزاری کنگره ۶ حزب کمونیست کارگری ایران و قطعنامه ای که در

مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه در سال ۸۵ و اول مه ها اشاره داشتیم.

- همچنین همانطور که بالاتر نیز اشاره کردم بر این تاکید داشتیم که مبارزات اقتصادی کارگران در محتوای خود سیاسی است و به نقش مهم این مبارزات در فعال نگاهداشتن فضای سیاسی جامعه و رشد چپ و رادیکالیسم در جامعه صحبت کردیم.

امروز شما تعمیق و گسترش همین پیشروی ها را میتوانید آشکارا در جنبش کارگری و در همین تصویر اولیه ای که من تلاش کردم از موقعیت کنونی آن بدست دهم، این حقیقت را به روشنی ببینید.

به طور خلاصه میتوانم بگویم که گستردگی و کثرت اعتراضات کارگری، اشکال سازمانیابی آن و کشیده شدن این اعتراضات به خیابان و جلب توجه جامعه، گسترش اعتراضات حول خواستهای سراسری کارگری مثل

های مدرن رهبری در جنبش کارگری اشاره کردیم.

- به جلو آمدن صفی از رهبران کارگران در سطح ایران و بعضا جهانی اشاره کردیم. - از کشیده شدن اعتراضات و اعتصابات کارگری به سطح جامعه و جلب توجه و حمایت مردم صحبت کردیم.

- از ارتباط سراسری رهبران کارگران با هم و استفاده آنان از رسانه های جمعی و جهانی کردن صدای اعتراضشان حرف زدیم.

- از سیاسی تر شدن خواستهایشان و بعضا طرح خواستهای صریحا سیاسی مثل مخالفت با انرژی هسته ای و مراسم های رادیکال اول مه و قطعنامه های کارگری و خواستهای سوسیالیستی کارگران در این قطعنامه ها و غیره صحبت کردیم. از بهم زدن نمایشات انتخابات رژیم و خواست انحلال شوراهای اسلامی

و غیره و غیره صحبت کردیم و بعنوان نمونه به مبارزات کارگران شرکت واحد در سال ۸۴ و مبارزات معلمان در سال ۸۶ و

آنجا تحت عنوان "نقطه عطف مهم در جنبش کارگری" به تصویب رسید اشاره کردید. منظور از این نقطه عطف و این تحول چه بود و طی این ۶ سال این روند چگونه پیش رفته است؟ بطور مشخص چه پیشروی هایی داشته است؟

شهلا دانشفر: درست است. ما در آن بحث در تمایز با تصویر سنتی از جنبش کارگری - تصویری پراکنده، عقب مانده، و دفاعی از جنبش کارگری - تاکیدمان این بود که جنبش کارگری با پیشروی هایی که داشته، در آستانه تحولات مهمی قرار دارد و گسترش و تعمیق این پیشروی ها شرط مهمی نه تنها برای دستیابی کارگران به خواستهای فوری خود بلکه برای ایفای نقش تاریخی طبقاتی اش در تحولات سیاسی و شکل دادن به سیمای اجتماعی آینده ایران است. در آن قطعنامه:

ما بعنوان مولفه های بحثمان به ابراز وجود علنی و اجتماعی رهبران کارگران و شیوه

ما بعنوان مولفه های بحثمان به ابراز وجود علنی و اجتماعی رهبران کارگران و شیوه

کارگران جهان متحد شوید!

موقعیت کنونی جنبش کارگری

از صفحه ۲

دستمزد و کوتاه شدن دست پیمانکاران و غیره و شکل گیری اعتراضاتی چون طومار بر سر دستمزد با چهل هزار امضا که به لحاظ سازمانیافتگی و ابعاد اجتماعی اش جدید و بیسابقه است، جا باز کردن بیش از پیش جنبش مجمع عمومی به عنوان شکل آگاهانه ای از تشکل یابی کارگری و اعمال اراده مستقیمش در مبارزات و پیگیری خواستههای کارگران، به جلو صحنه سیاسی آمدن بیشتر جنبش کارگری با خواستههای اجتماعی تر و نمایندگی کردن خواستههای مردم و ... از جمله نقطه قدرتها و پیشروی های جنبش کارگری در طول این سالهاست.

در جریان همین پیشرویهاست که می بینید جنبش کارگری به عنوان يك عرصه دایمی اعتراض نقش مهمی در فعال نگاهداشتن فضای سیاسی داشته است. این را خصوصا بعد از سال ۸۸ و سرکوب خیزش انقلابی مردم به روشنی میتوان دید. به عبارت روشنتر در این چند ساله اخیر بویژه جنبش کارگری بطور واقعی يك فاکتور مهم در حفظ اوضاع پرتحرک و متعرض سیاسی در جامعه بوده است.

گفتم که نقطه قدرت مهم جنبش کارگری اینست که این جنبش همواره يك عرصه دایمی اعتراض علیه رژیم اسلامی بوده و به این اعتبار نقش مهمی در قطبی کردن جامعه، رشد چپ و رادیکالیسم داشته و وزن مهمی در تحولات سیاسی جامعه پیدا کرده است.

انترناسیونال، اما در رابطه با اشاره شما این سؤال مطرح میشود که سالهاست که ما شاهد این هستیم که کارگران برای گرفتن دستمزدهای معوقه یا در

واقع پرداخت نشده مبارزه و جدال میکنند. اینکه کارگر ناچار است برای گرفتن دستمزد توافق شده اش بجنگد آیا این نشان نمیدهد که این جنبش در وضعیتی تدافعی قرار دارد؟

شهلا دانشفر، اتفاقا این همان تمایزی است که ما همواره تلاش کرده ایم با تصویر سنتی و عقب مانده از جنبش کارگری بدهیم. مبارزات اقتصادی

امروز بطور واقعی مساله نان و معیشت کارگران و مردم به مرکز سیاست رانده شده است. در چنین شرایطی مبارزه کارگر بر سر دستمزد معوقه اش، بر سر خواست افزایش دستمزدش و بر سر دیگر خواستههای معیشتی اش، دیگر به هیچوجه مبارزه ای دفاعی نیست. حتی اشکال بروز این اعتراضات به روشنی بر همین حقیقت تاکید دارد. از جمله می بینیم که کارگر جاده میبندد، راهپیمایی میکند، جلوی مراکز قدرت رژیم تجمع بر پا میکند، با

کارگران تشکلهایی چون سندیکای شرکت واحد، سندیکای نیشکر هفت تپه، اتحادیه آزاد کارگران ایران، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های کارگری و غیره شکل گرفته اند. وجود این تشکلهای نشانگر نفوذ چپ و رادیکالیسم در راس جنبش کارگری است. گرایشی که همواره اعلام کرده است که تشکل کارگری امر خود کارگران است و نیازی برای مجوز گرفتن برای

جنبش کارگری با پیشروی هایی که داشته، در آستانه تحولات مهمی

قرار دارد و گسترش و تعمیق این پیشروی ها شرط مهمی نه تنها برای

دستیابی کارگران به خواستههای فوری خود بلکه برای ایفای نقش

تاریخی طبقاتی اش در تحولات سیاسی و شکل دادن به سیمای

اجتماعی آینده ایران است

خانواده خود تجمع میکند و بعضا شهری را به حرکت در می آورد و غیره. این مبارزات جنگ هر روزه کارگران و مردم با این رژیم بر سر زندگی و معیشتشان است. با این مبارزات کارگران بطور واقعی رژیم اسلامی را به چالش کشیده اند. خصوصا در شرایط سیاسی متحول امروز این مبارزات دیگر کاملا سیاسی است و ظرفیت این را دارد که ابعادش به سطح شهرها کشیده شود. بنابراین مبارزه کارگران برای دستمزد و یا علیه بیکاری را باید در این شرایط دید. در این شرایط محیط های کارگری و کل جامعه مثل يك بمب انفجاری است.

انترناسیونال: به لحاظ سازمانیابی امروز جنبش کارگری در چه موقعیتی قرار دارد؟

شهلا دانشفر: واقعیت اینست که جنبش کارگری به لحاظ سازمانیابی پیشروی های بسیاری کرده است. به همت خود

تاکید ما بر مجامع عمومی بعنوان مکانی برای متحد عمل کردن و اعمال اراده مستقیم کارگران در مبارزاتشان است. تاکید ما بر مجامع عمومی کارگری به عنوان امکانی برای قدرتمند عمل کردن کارگران و ایجاد شرایط برای ابراز وجود سیاسی و اجتماعی آنان است. همچنین مجامع عمومی تضمینی برای جلوگیری از هر گونه به سازش کشاندن و به انحراف کشاندن مبارزات کارگری است. امروز شما شاهد پیشرویهای خوبی در جنبش کارگری در به راه انداختن جنبش مجامع عمومی کارگری هستید. به طور مثال می بینید که کارگران بازنشسته ذوب آهن در مبارزاتشان از این صحبت کردند که هفته ای دو بار میخواهند مجمع عمومی خود را داشته باشد و جمع شوند و خواستههایشان را پیگیر شوند. یا بطور مثال کارگر صنایع فلزی از تشکیل مجمع عمومی بزرگ خود و تصمیم گیری در آن صحبت میکند. در مبارزات پتروشیمی ماهشهر نیز می بینید اجتماعات کارگری و انتخاب نمایندگان کارگری در این اجتماعات يك شکل مهم در متحد نگاهداشتن صف اعتراض کارگران و

ادامه صفحه ۴

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

اصغر کریمی، دبیر کمیته خارج
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

تلفن تماس با حزب از ایران شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده

۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110,
127 02 Skärholmen - Sweden

موقعیت کنونی جنبش کارگری

از صفحه ۳

مبارزاتشان بوده است. همچنین می بینید که کارگران با چهل هزار امضا بر سر خواست افزایش دستمزدها میگویند که شورای عالی کار را قبول ندارند و دستمزد باید توسط نمایندگان منتخب مجامع عمومی خود آنها تعیین شود. اینها پیشروی های این جنبش و پیشروی های جنبش کارگری است. قدرت گیری مبارزات کارگری با اتکا به اجتماعات کارگری و مجامع عمومی کارگری است که به کارگران امکان داده است با گامهای آرام به جلوی صحنه سیاسی جامعه قدم بردارند و هر روز وزن بیشتری در تحولات سیاسی جامعه پیدا کنند. نگاهی به تجربیات جنبش کارگری در این عرصه به نوبه خود الگوهای خوبی از سازمان یافتن مبارزات کارگری حول خواستهای سراسری بدست میدهد.

علاوه بر همه اینها کثرت اعتراضات کارگری و طولانی مدت بودن بسیاری از مبارزات نشانگر وجود درجه بالایی از سازمانیابی کارگری در میان کارگران و وجود صف گسترده ای از رهبران کارگری در جلوی این مبارزات است که سازمانده این مبارزات هستند. رهبرانی که رو به جامعه سخن میگویند، فراخوان میدهند و اعتراضات کارگری را به جلو میبرند. اینها همه بستری است که جنبش کارگری را به سوی سازمانیابی سراسری خود و اتحاد حول خواستهای سراسری اش به جلو میبرد و همانطور که اشاره کردم پیشروی های جنبش کارگری در عرصه سازمانیابی کارگری است. اما علیرغم همه این تلاشها و علیرغم همه این پیشروی ها واقعیت مهمتر اینست که کارگران

هنوز از داشتن يك تشکل توده ای سراسری خود محرومند. از تشکلی که طرف حساب آنان بر سر تعیین نرخ دستمزد و شرایط کارشان باشد محرومند. این يك نقطه ضعف است.

انترناسیونال: اینجا سئوالی که در برابر ما قرار میگیرد اینست که پس تشکلهای موجود کارگری چه جایگاهی دارند و موانع برای ایجاد يك تشکل سراسری کارگری چیست؟

شهلا دانشفر: ما همیشه گفته ایم که تشکلهای موجود کارگری، بطور واقعی تشکلهای توده ای کارگری نیستند. بلکه تشکل فعالین و اکتیویستهای کارگری هستند. طبیعا این تشکلهای بدرجه ای که توانسته اند، مبتکر سازماندادن مبارزاتی اجتماعی و سراسری در جنبش کارگری باشند، توانسته اند دامنه اجتماعی و توده ای پیدا کنند و بیشتر به جلو صحنه سیاسی جامعه کشیده شوند. به طور مثال

نقش سندیکای واحد در اعتصاب با شکوه هزاران کارگر شرکت واحد در سال ۸۴ در تهران جایگاه مهمی به این سندیکا داد. بطوریکه این تشکل را نه تنها در سطح جامعه بلکه در سطح وسیعی در میان اتحادیه های بین المللی کارگری شناساند. سندیکای واحد در آن هنگام قدرت خود را از اجتماعات چند هزاره کارگری گرفت. اما بعد بدرجه ای که دامنه مبارزاتش محدود شد و یا بعضا دنبال کردن خواستهای کارگران صرفا از کانالهای قانونی و وعده و وعیدهای حکومتی، از دامنه رشدش کاسته شد. نمونه دیگر اتحادیه آزاد کارگران ایران است که بویژه در طول دو سال اخیر و نیز با ابتکار به راه انداختن طوماری اعتراضی بر سر خواست افزایش دستمزدها که به ۴۰ هزار

هیچ وجه به معنی وجود تشکل سراسری کارگری نیست. انترناسیونال: چرا تشکلهای کارگری سراسری در ایران شکل نگرفته، موانع عملی شکل گیری آن چیست؟

شهلا دانشفر: روشن است که اولین مانع برای ایجاد تشکل سراسری کارگری، دیکتاتوری حاکم بر ایران است؛ خفقان و

امضا رسید، توانست دامنه ارتباطش را به مراکز کارگری بیشتری گسترش دهد و توجه ها را به سوی خود بکشد. این نمونه ها خود نشانگر نقش تشکل های موجود کارگری و عمل متحد آنها در سازمانیابی سراسری کارگری است. خلاصه کلام اینکه اینها همه پیشروی های خوبی در عرصه سازمانیابی کارگری است، اما به

سرکوب جمهوری اسلامی است. در حاکمیت جمهوری اسلامی تلاش برای ایجاد تشکل جرم است. از همین رو تلاش برای ایجاد تشکل کارگری همواره يك عرصه نبرد کارگران با رژیم بوده است. همین الان کسانی چون رضا شهابی از کارگران شرکت واحد،

ادامه صفحه ۵



اتحادیه آزاد کارگران ایران



اتحادیه آزاد کارگران ایران



اتحادیه آزاد کارگران ایران

موقعیت کنونی جنبش کارگری

از صفحه ۴

گیری و قدرتیابی مجامع عمومی کارگری و تشکیلاتی کارگران بوده است. بویژه این بلایی است که جمهوری اسلامی بر سر کارگران نفت، صنایع وابسته به نفت مانند پتروشیمی ها و مجتمع های بزرگی چون ایران خودرو و ذوب آهن اصفهان و به سر هزاران هزار کارگر در مراکز مختلف کارگری آورده است. با این شکل از کار جمهوری اسلامی توانسته است، با حواله دادن هر بخش از کارگران یک کارخانه به پیمانکاری معین، جلوی اعتراضات واحد و سراسری کارگران در چنین مراکز مهم و کلیدی را سد کند. شرایط برده واری از کار را بر کارگران حاکم کند. بیکاری و اخراج را همواره همچون چماقی روی سر کارگر نگاهدارد و با این کار بیشترین ضربه را به امر متشکل شدن کارگران وارد کند.

مانع دیگر درک کلاسیک و سنتی از سازمانیابی کارگری و عدم اتکا به سوخت و ساز درونی خود جنبش کارگری در امر سازمانیابی کارگران است. از جمله ندیدن نقش تشکیلهای موجود کارگری و عدم اتکا به پیشروی های تا کنونی خود جنبش کارگری است. طبعاً در این میان گرایشات راست و بازدارنده نیز عمل میکنند.

انترناسیونال: با توجه به نکاتی که اشاره کردید چگونه میشود زمینه های شکل گیری تشکیلات سراسری کارگری را فراهم کرد؟ راههای عملی شکل دادن به تشکیلات سراسری کارگری چیست؟

شهلا دانشفر: به نظر من نفس اینکه امروز بخش بسیاری از رهبران و فعالین کارگری در قامت تشکیلهای کارگری موجود

بهنام ابراهیم زاده و محمد جراحی و شاهرخ زمانی از اعضای کمیته پیگیری برای ایجاد تشکیلهای کارگری، پدram نصراللهی و جلیل محمدی از اعضای کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکیلهای کارگری بخاطر مبارزاتشان برای ایجاد تشکیلات خود و بخاطر دفاع خود از حق و حقوق کارگر در زندانند. یک فشار رژیم اسلامی بر کارگران معترض اینست که از تشکیلهایشان استعفا دهند. کاری که مشخصاً با شریف ساعد پناه و مظفر صالحی نیا از رهبران کارگری شناخته شده در شهر سنجندج شد و وقتی این کارگران از عضویت خود در اتحادیه آزاد کارگران ایران دفاع کردند، شش ماه حکم زندان برایشان صادر گردید. رهبران سندیکای نیشکر هفت تپه نیز به همین خاطر و به علت تلاش برای ایجاد سندیکای خود و اعتصابات باشکوهشان در سال ۸۵ از کار خود اخراج شدند و برای آنها پرونده قضایی تشکیل داده شده و همواره تحت تعقیب و فشار هستند. نمونه ها از این دست فراوانند. از سوی دیگر ساختار اقتصادی که جمهوری اسلامی آگاهانه در محیط های کار ایجاد کرده است، توانسته بعنوان یک مانع دیگر که مهم هم هست در برابر سازمانیابی کارگران عمل کند. از جمله تبدیل استخدامهای قراردادی و موقت و پیمانی، به شکل رایج استخدام ها در محیط های کار، تکه تکه کردن محیط های کار و سپردن هر بخش آن به یک پیمانکار است. این وضعیت مانعی جدی در جمع شدن کارگران زیر یک سقف، شکل

متشکل هستند، خود بستر مهمی برای سازمانیابی سراسری کارگری است. دلیلش نیز به روشنی نقش و جایگاه مهم رهبران کارگری در سازمانیابی مبارزات کارگری است. از این بحث میخوایم این نتیجه را بگیریم که تشکیلهای موجود کارگری که بخش موثری از رهبران کارگری را در خود جمع دارند میتوانند همچون سرپلی برای دامن زدن به جنبش مجامع عمومی کارگری در دل مبارزات جاری و سازمانیابی سراسری کارگری از پایین و در محیط های کار ایفا کنند. وصل شدن این دو

نقطه قدرت مهم جنبش کارگری اینست که این جنبش همواره یک عرصه دایمی اعتراض علیه رژیم اسلامی بوده و به این اعتبار نقش مهمی در قطبی کردن جامعه، رشد چپ و رادیکالیسم داشته و وزن مهمی در تحولات سیاسی جامعه پیدا کرده است

حلقه به هم، یعنی نقش تشکیلهای موجود کارگری و حرکت متحد رهبران کارگری با هم و دامن زدن به جنبش مجامع عمومی کارگری از پایین یک پاسخ مهم به متحقق کردن امر سازمانیابی سراسری کارگری و جنبش شورایی است. مجامع عمومی کارگری شکل عملی سازمانیابی کارگران در سطح کارخانه ای و محلی است. بویژه یک رکن مهم اعتراضات هر روزه کارگری مجامع عمومی کارگری است و هر روزه بودن و گستردگی این مبارزات به ما امکان میدهد، که به وجود آنها به عنوان محلی برای تصمیم گیری جمعی کارگران شکل ادامه کارتر و پایدارتری بدهیم و آنها را بر دولت و کارفرمایان تحمیل کنیم. بویژه سراسری تری است. در این میان تشکیلهای موجود کارگری میتوانند به حلقه ارتباط مجامع عمومی کارگری در سطحی گسترده و سراسری تبدیل شوند. اینجاست که نقش و جایگاه تشکیلهای کارگری موجود و فعالین و رهبران کارگری دست اندرکار آن، در امر سازمانیابی سراسری جنبش کارگری حول خواستههایش به روشنی در مقابل چشممان قرار میگیرد. اینجاست که نقش رهبران کارگری در جلوی صف اعتراضات جاری در امر سازمانیابی سراسری کارگری و دامن زدن به جنبش گسترده مجامع عمومی کلیدی میشود. و بالاخره اینجاست که عمل متحد تشکیلهای موجود کارگری و نیز عمل متحد رهبران کارگری میتواند کیفیت جدیدی به این

ادامه صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

موقعیت کنونی جنبش کارگری

از صفحه ۵

سازمانیابی توده ای و تشکیل مجامع عمومی کارگری در کارخانجات است.

در کنار همه اینها سازمانیابی کارگران حول خواسته‌های سراسری ای چون خواست فوری افزایش دستمزدها، کوتاه شدن دست پیمانکاران از محیط‌های کار و پایان دادن به شکل برده وار استخدامهای موقت، توقف فوری اخراجها، بیمه بیکاری مکفی در سطح یک زندگی انسانی و در یک کلام سازمان دادن کارزارهای مبارزاتی معین در دفاع از معیشت و برای یک زندگی انسانی، جنبه مهم دیگری از کار ماست. کارزارهایی که میتواند بستری برای سازماندهی اعتراضات سراسری کارگری باشد. یک نمونه بارز چنین شکلی از کار سازمانیافته در میان کارگران، طومار اعتراضی ۴۰

هزار کارگر بر سر خواست افزایش دستمزدها است که حرکت اعتراضی متحدی را در سطحی گسترده دامن زده و زمینه های یک جنبش سراسری بر سر خواست افزایش دستمزدها را بوجود آورده است. یا بطور مثال می بینیم که هم اکنون بیکاری ابعادی سرسام آور دارد. میتوان علیه آن متحد شد و مبارزه ای سراسری را سازمان داد.

بعلاوه جنبش اعتراضی علیه تهاجمات اقتصادی رژیم و طرح "هدفمند کردن یارانه ها" یک عرصه مهم مبارزه کل جامعه و کارگران است. در این عرصه نیز کارگران باید سازمانیافته تر جلو بیایند. اینها همه راهکارهاییست که فکر میکنم ممکن و شدنی است.

انترناسیونال: شهلا دانشفر
شما در سمینار خود از جدالهای درون حکومت و انعکاس آن در جنبش کارگری و تشکلهای دست

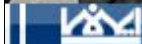
ساز حکومت صحبت کردید. استنتاج شما از این بحث چیست؟

شهلا دانشفر: همه میدانیم

که در سال ۵۷ خانه کارگر کانونی برای تجمع فعالین کارگری و فعالین شواهای کارگری بود. اما بعد در بهار ۵۸ در جریان حمله رژیم به انقلاب و تشکلهای کارگری، این مرکز از سوی اوباش حزب الله اشغال شد و اسمش به خانه کارگر جمهوری اسلامی که یک جریان مافیایی به سرکردگی علیرضا محبوب و علی ربیعی است، تبدیل گردید. سپس با متلاشی شدن و سرکوب شوراها کارگری سراسری که توسط خود کارگران تشکیل شده بود، شوراها را اسلامی بعنوان زیر مجموعه خانه کارگر در تقابل با تشکلهای کارگری و به عنوان ابزار دست مدیریت و دولت در کارخانجات تشکیل شد. در فصل ششم قانون کار رژیم اسلامی که به تشکیل شوراها اسلامی کار و نفس وجودی آنها اختصاص دارد، تصریح شده است که کسانی میتوانند در این شوراها کاندید و

انتخاب شوند که شرایط مندرج در مواد قانون را داشته باشند. بر اساس این مواد انتخابات شوراها اسلامی زیر نظر وزارت کار صورت میگیرد و صلاحیت کاندیدها نیز زیر نظر این وزارت و وزارتخانه مربوطه تعیین میشود. از جمله وظایف این شوراها همکاری با مدیریت در جهت اداره امور و پیشبرد برنامه های واحد است. التزام به ولایت فقیه نیز یک شرط کاندید شدن است. همه تاکیدات این فصل از قانون کار بر روی این است که شوراها را اسلامی نقش نظارتی و بهتر است بگویم نقش جاسوسی برای رژیم را دارند. نتیجه اینکه بنا بر قانون کار جمهوری اسلامی شوراها را وزارت کار ایجاد میکند و در هدایت آنها نقش اساسی دارد. آنها در خدمت کارفرمایان قرار دارند و نقش اصلی اشان نیز بطور واقعی مقابله با کارگران پیشرو و جلوگیری از اعتراضات و اعتصابات کارگری و مهار و کنترل آنست. این نهاد با دعوت کارگران به تمکین و سکوت در

مقابل تعرضات کارفرمایان و دولت عملاً سخنگوی مدیریت است. در کارخانجات وظیفه داشته است که همچون یک ارگان نیروی سرکوب ناظر و مجری کمیته انضباطی در محل کار عمل کند و همراه با مدیریت برای جریمه و اخراج کارگران تصمیم گیرد. همچنین یک تلاش آنها همیشه این بوده است که در میان کارگران تفرقه ایجاد کنند و به فضای بی اعتمادی دامن بزنند و کارگران را برای حفظ موقعیت شغلی خود وارد به عضویت در بسیج و خانه کارگر کنند. طبعاً این تصویری است که بیشترگویای موقعیت این تشکلهای دست ساز حکومتی بویژه در سالهای آغازین تاسیسش بوده است و اهدافی بوده که دقیقاً جمهوری اسلامی از تشکیل آنها دنبال کرده است. ما از همان آغاز بر خط به انحلال کشاندن شوراها اسلامی توسط کارگران تاکید گذاشتیم و به کارگران فراخوان دادیم که این نهادهای جاسوسی حکومت را منزوی و طرد کنند. امروز بطور واقعی شاهد تحمیل همین راهکار بر رژیم اسلامی هستیم. بعبارت روشنتر در فضای پر جنب و جوش امروز جنبش کارگری شوراها اسلامی با اهدافی که برایش تعریف شده بود، نمیتوانست جا و مکانی در محیط های کارگری داشته باشد و در عمل شوراها اسلامی در بسیاری از کارخانجات نه ابزار دست کارفرما بلکه به ویال گردن آن و دولت تبدیل شده است. از جمله در بسیاری از کارخانجات ما شاهد این اتفاق هستیم که کارگران خودشان مجمع عمومی تشکیل داده و نمایندگان منتخب خود را انتخاب کرده اند. در برابر کارفرما و دولت که خواسته اند شورای اسلامی شان را تشکیل دهند ایستاده اند، اجازه هیچ دخالتی به وزارت کار و کارفرما



IMNA NEWS AGENCY

Photo : Ali Khodaei

موقعیت کنونی جنبش کارگری

از صفحه ۶

فورا با اعتراض کارگران رویرو شده و بساطشان جمع میشود و باید جمع شود. نتیجه اینکه رژیم اسلامی با طرحهایی چون ایجاد تشکلهای دست ساز دولتی در کارخانجات، در واقع گور خود را کنده است و ته کاسه چیزی جز مشتی از مزدهوارن و سرکرده هایش که ماموریتشان سرکوب و مهار کردن اعتراضات کارگری بود، باقی نمانده است. از جمله میتوان کانون عالی شوراهای اسلامی، کانون عالی انجمن های صنفی و برخی شاخک های آنان در کارخانجات مختلف را نام برد که تحت عنوان "جامعه کارگری" یک پای شورای عالی کار و یا هیات های نمایندگی رژیم اسلامی در سازمان جهانی کار نیز هستند. اینها نهادهایی هستند که بطور واقعی یک پای حکومتند و به قول خودشان اولین وظیفه شان حفظ نظام است. کارگران نیز این را

دارو دسته هایشان نداده اند و نمایندگان منتخب خود را نیز شورای کارخانه نام نهاده اند. بطور مثال اتفاقی که در کارخانه صنایع فلزی افتاد از همین دست بود. در آنجا کارگران حتی بعد از انتخاب نمایندگان واقعی خود از شورای اسلامی قبلی که تحت نظارت وزارت کار و بر اساس قوانینشان تعیین شده بودند، خواستند که اطاق مخصوص خود را تخلیه کند و محل را در اختیار نمایندگان واقعی کارگران بگذارند. اتفاق دیگر این است که در بسیاری از محیط های کارگری، بسیاری از همان افرادی که در گذشته ای دور بر اساس قانون کار و تحت نظارت وزارت کار و کارفرما بعنوان شوراهای اسلامی تعیین شده بودند، اکنون دیگر از دولت و مراجع دولتی فاصله گرفته اند و به عنوان کارگرانی که در اعتراض توده کارگران در فقر و محرومیت حاکم سهیمند، در صف اعتراض کارگران قرار گرفته اند. این بخش از کارگران که بدلیل شناخت نزدیک خود از فساد بالای حکومتی و مراجع مختلف دولتی و دست اندرکارانش امروز بسیار حق به جانب تر و با اعتماد به نفس تر عمل میکنند و در بسیاری از اوقات بسیار معترض و آتشین به عنوان رهبران محبوب کارگری در جلوی صف اعتراضات کارگری قرار میگیرند. خلاصه کلام اینکه شوراهای اسلامی بر اساس طرحها و اهدافی که رژیم اسلامی در دستور داشت، به این صورت و در عمل به شکست کشیده شده است. هرچا نیز که آثاری از شوراهای اسلامی با اهدافی که رژیم اسلامی تعیین کرده بود، باقی مانده باشد و بخواهد ابراز وجودی داشته باشد،

نقش تشکلهای موجود کارگری و حرکت متحد رهبران کارگری با هم و دامن زدن به جنبش مجامع عمومی کارگری از پایین یک پاسخ مهم به متحقق کردن امر سازمانیابی سراسری کارگری و جنبش شورایی است

"اتحادیه کارگران صنایع غذایی"، "اتحادیه کارگران صنایع نساجی"، "اتحادیه کارگران شهرداری"، "اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی"، و دهها "اتحادیه" کارگری در مراکز دیگر کارگری هستیم. که بخش اعظم آن در طول همین سالهای اخیر شکل گرفته اند. جدا از اینها تعاونی های مختلف مصرف، مسکن، صندوق حمایت از کارگران بیکار، روزنامه کار و کارگر و غیره همه از دیگر زیر مجموعه های خانه کارگر است که بعضا منابع مالی خوبی برای بچاپ بچاپهای سران و دست اندرکاران خانه کارگر است.

جبران ضایعاتی که در نتیجه عقب زدن نقش سرکوبگرانه شوراهای اسلامی در محیط های کار و آمده، هستیم. در این رابطه اینها شروع به ایجاد نوعی اتحادیه های زرد کرده اند. از جمله امروز به عنوان زیر مجموعه خانه کارگر با تشکیلاتی چون "کنفدراسیون عالی کارگران ایران" روبرویم که مرکب از "اتحادیه های مختلف کارگری از جمله "اتحادیه سراسری زنان کارگر کشور"، "اتحادیه کارگران زن شرکت کیف و کفش زنانه مهرانه شوستر"، "اتحادیه پیشکسوتان کارگر"، "اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی"، "اتحادیه صنعت آب و برق"، "اتحادیه صنایع خانگی و برقی"،

میدانند و بارها و بارها با بیانیه ها و در تجمعاتشان اعتراض خود را علیه این تشکلهای دست ساز دولتی اعلام کرده اند. نکته ای که میشود اینجا تاکید کرد اینست که با توجه به این پیشروی ها امروز جنبش کارگری در موقعیتی قرار دارد که کل پرونده "شوراهای اسلامی" را ببندد و به جای آن با قدرت مجامع عمومی خود و اجتماعاتش نمایندگان منتخب خود را به دولت و کارفرمایان تحمیل کند.

زیر فشار همین تحولات است و در واقع به ته خط رسیدن کار شوراهای اسلامیست که امروز ما شاهد تقلاهای دیگری از سوی خانه کارگر در محیط های کار و در میان کارگران برای

ادامه صفحه ۸



موقعیت کنونی جنبش کارگری

از صفحه ۷

بر همین زمینه سندیکالیسم سنتی و گرایش راست توده ایستی میدان تحرکی یافته و در کنار خانه کارگر بستر فعالیتی در میان کارگران پیدا کرده است. اینها مدافعین و مبلغین پرحرارت قانون کار و قانون اساسی رژیم اسلامی هستند. و فراخوانشان به کارگران بیعت با قوانین ضد کارگری جمهوری اسلامی است.

این جنب و جوش ها با بطور واقعی عقب نشینی شوراهای اسلامی و جریانات راست پرو رژیم به سنگر "اتحادیه سازیهای زرد" است. این سنگر را هم باید گرفت. یکی از وظایف مهم

کارگران رادیکال و چپ در برابر جنب و جوش های خانه کارگریها و جریانات راست پرورژیمی و توده ایستی، افشای سیاست های راست و گفتمان هانیست که به درون جنبش کارگری میبرد، تا مبارزات کارگران را در چهارچوب قوانین حاکم رژیم اسلامی منحصر کرده و عقب بکشد.

عقب نشینی شوراهای اسلامی به سنگر "اتحادیه های زرد" درعین حال نشانگر موقعیت تعرضی چپ و رادیکالیسم در جنبش کارگری است. این شرایط طبعا توازن قوای بهتری برای سازمانیابی کارگری به قدرت خود کارگران است. بهترین فرصت برای دامن زدن به جنبش مجامع عمومی کارگری و اعمال اراده

مستقیم خود کارگران است. بدین ترتیب همانطور که جلوتر اشاره کردم جدال بر سر مساله تشکل يك عرصه مهم كشاكش دو گرایش راست و چپ در جنبش کارگری است که در اینجا نیز نفوذ گرایش چپ و رادیکال را به وضوح میتوان دید. از جمله ما شاهد این هستیم که در مبارزات کارگری، تصمیم گیری متحد و جمعی کارگران از طریق اجتماعات کارگران و به عبارتی مجامع عمومی کارگری بعنوان يك رکن دائمی اعتراضات کارگری است که حرف اول را میزند. یعنی وقتی کارگر با خواستی به جلو می آید و دست به اعتراض میزند، وقتی که اجتماعات کارگری برپا میشود، آنجا دیگر این قدرت جمع کارگران است که تصمیم میگیرد. به قدرت این جمع بودن است که

کارگران نمایندگان واقعی خود را انتخاب میکنند. به قدرت این جمع بودن است که کارگران میتوانند جلوی هر نوع تقلا و تلاشی از سوی گرایشات راست را برای منحرف کردن مبارزاتشان و تفرقه افکنی در صفوف مبارزاتی شان را خنثی کنند. بطور مثال در پتروشیمی ماهشهر هزاران کارگران با اعتصاب متحد خود به میدان آمدند و خواستار کوتاه شدن دست پیمانکاران شدند. در این اعتراضات تلاش بسیاری شد که کارگران را به بند قانونی و مصوبه دولت آویزان نگاه دارند. اتحادیه کارگران قراردادی پتروشیمی ماهشهر نیز هر از چند گاهی ابراز وجودی کرد. اما در آنجا نیز قدرت اعتصاب متحد کارگران تعیین کننده بود. در آنجا نیز این تجمعات کارگران و پیکتهای اعتراضی آنان در درون مجتمع و نیز راهپیمایی آنان در محوطه مجتمع و بدین صورت به هم پیوستن بخشهای بیشتری از کارگران شرکتهای مختلف در این مجتمع بود که به اعتراضات کارگران قدرت داد و این اعتراضات به موفقیتی مهم برای آنان تبدیل شد. بدین صورت کارگران پتروشیمی توانستند در بخشهایی دست پیمانکاران را کوتاه کنند و موفقیتهایی بدست آورند و گفتمان کوتاه شدن دست پیمانکاران از محیط های کار را به گفتمان بخش وسیعی از کارگران در ایران تبدیل کند. طبعا تشبیت این دستاوردها به ادامه مبارزات متحدانه این کارگران گره خورده است. این تحولات نشانگر قدرت مبارزات کارگران و در راس آن گفتمان رادیکال و چپ کارگری است. بدین این موضوع نقطه شروع مهمی برای پیشروی های بعدی جنبش کارگری و بویژه سازمانیابی آنست.

انترناسیونال: چه خطوط عمده و چه گرایشهایی در جنبش کارگری ایران می بینید؟ هر کدام

از این گرایشها چه افقی در مقابل جنبش کارگری قرار می دهد و شما چه آیندهای برای هر کدام از آنها پیش بینی می کنید؟

شهلا دانشمهر: من از دو گرایش عمده راست و چپ در جنبش کارگری میخوام صحبت کنم. روشن است که ما برای تفکیک گرایشات و نشان دادن این قطب بندی ها ایدئولوژیک به سراغ موضوع نمی رویم بلکه گرایشات را از شکل بروز اجتماعی شان میشود به روشنی تمیز داد.

از آنجا که شکل بیان اولیه اعتراضات کارگری در ایران خواستههای صنفی است در بسیاری از مبارزات ممکن است نشود در نگاهی اولیه گرایشات راست و چپ در درون جنبش کارگری را از یکدیگر تمیز داد. یا حتی در مبارزه بر سر یکسری خواستها بعضا ممکن است این گرایشات ممکن است در کنار هم قرار گیرند. اما در بروزات اجتماعی این دو گرایش در جنبش کارگری از یکدیگر کاملا متمایز و در تقابل با یکدیگر قرار دارند. به عبارت روشنتر دو گرایش چپ و راست را در جریان مبارزه و با گفتمانها و رویکردهای متفاوتشان در عمل میتوان به روشنی از یکدیگر تفکیک کرد. گفتمان گرایش راست در درون جنبش کارگری عبارتست از: فراخواندن کارگران به بیعت با قانون کار و قانون اساسی حکومت اسلامی، تلاش برای محدود کردن مبارزات کارگری در چهارچوب قوانین موجود و ارجاع به مراجع دولتی و بندهای قانون کار، محدود کردن دامنه اعتراضات کارگری تحت عنوان مبارزات آرام و مسالمت جو، تاکید بر صنفی بودن خواستها برای جلوگیری از فراتر رفتن خواستههای کارگران، تلاش برای تبدیل مبارزات کارگری به حمایت

طبقه کارگر باید بعنوان پرچمدار رهایی جامعه از تبعیض و نابرابری و سرکوب و اعدام و همه مصائب جامعه سرمایه داری به جلو بیاید و ابراز وجود کند. کارگران امروز باید بیش از هر وقت نه فقط بر سر خواستههای اقتصادی خود بلکه علیه تبعیض علیه زن، علیه اعدام و سرکوب و علیه هر ظلم و ستمی که صورت میگیرد حرف بزنند و عرض اندام کنند و کل جامعه را پشت خود بسیج کنند



Photo: ilna

Iranian Labour News Agency

موقعیت کنونی جنبش کارگری

از صفحه ۷

از جناحهای درونی حکومت، تلاش برای جلب کارگران به زیر مجموعه های خانه کارگر، تحت عنوان دو قطبی شورا یا سندیکا زیر حمله قرار دادن گرایش چپ و شورایی و تلاش برای کسب اعتبار برای سندیکالیسم راست، تلاش برای کشاندن تجمعات کارگری به درون سالن ها، و غیره و غیره. اینها همه اشکال مختلف بروز اجتماعی تقلاهای گرایش راست در درون جنبش کارگری است. یک نمونه برجسته از چنین تقلاهایی را در جریان اعتصاب کارگران شرکت واحد در سال ۸۴ دیدیم. در آن هنگام کشاکش بر سر دست بردن بر حربه اعتصاب یا اعتراض "آرام مدنی" و روشن کردن چراغها به علامت اعتراض، موضوع کشاکش دو گرایش راست و چپ در این تشکل بود. در عمل نیز آنچه چیزی که قدرت هزاران

کارگر شرکت واحد را در مقابل چشم جامعه قرار داد، دست بردن آنان به ابزار اعتصاب و عقب راندن گرایش راست در این مبارزات بود. در همان مبارزات اینجا و آنجا گرایش راست را با شعارهای چون "وزیر عدالت پرور، عدالت، عدالت"، "سکوت ما فریاد ماست" و مکاتبات با دولت با شروع "به نام خدا"، تلاش برای کشاندن مبارزات کارگری به کردیورهای اداره کار و سردواندن کارگران و نمونه هایی از این دست دیدیم.

اما بطور واقعی امروز چپ در جنبش کارگری با نفوذترین گرایش است. این را بروشنی در مبارزات هر روزه کارگری و اشکال اعتراضات کارگری میتوان دید. ساختن تشکل امر خود کارگران است، با مجوز یا بی مجوز تجمع میکنیم، اول مه حق مسلم ماست، تشکل حق مسلم ماست، ساکت نمی نشینیم، خط

فقر را قبول نمیکنیم، شورایعالی کار نمایندگان ما کارگران نیست، طرح سه جانبه گری را قبول نداریم و غیره از جمله گفتمانهای گرایش رادیکال و چپ در جنبش کارگری است و فضای عمومی آنرا شکل داده است.

یک مشخصه گرایش چپ در جنبش کارگری اتکای آن به جنبش مجامع عمومی کارگری بعنوان محلی برای اعمال اراده مستقیم کارگران است. به عبارتی روشنتر گرایش رادیکال و چپ قدرت خود را از تجمعات کارگری میگیرد، آنجایی هم که بعنوان حق و حقوقش به قانون و بندهای قانونی دست میبرد، اهرم فشار و اتکایش تجمعات اعتراضی و قدرت اعتصاب کارگران است.

همچنین با وجود ممنوعیت حق اعتصاب و حق تشکل در جمهوری اسلامی، به یمن قدرت رادیکالیسم و چپ در جنبش کارگری است که برپایی تجمعات کارگری و اعتصاب به امر هر روزه کارگران تبدیل شده و در بسیاری از این مبارزات کارگران

بر حقوق ایام اعتصاب خود نیز تاکید گذاشته اند. بعلاوه رادیکالیسم و چپ یک پایه اصلی جدال هر روزه کارگران در برابر تعرضات رژیم اسلامی و پیش کشیدن خواستها و مطالبات کارگران است.

و بالاخره اینکه چهره روشن گرایش چپ و رادیکال در جنبش کارگری را در تجمعات اعتراضی هر روزه کارگران، در اشکال مبارزاتی آنان و کشاندن این اعتراضات به بیرون از کارخانه ها و به سطح جامعه و تلاش برای جلب حمایت مردم و جهان، در شرکت و دخالت هر روزه بیشتر خانواده های کارگری در مبارزات کارگری، در گسترش استفاده کارگران از مדיای اجتماعی برای رساندن صدای اعتراضات خود به جامعه و به جهانیان و غیره و غیره میتوان دید. اینها همه اشکالی از مبارزه است که به اعتراضات کارگری رنگ و وزن سیاسی تری داده است.

نگاهی به این مولفه ها و نگاهی به مبارزات کارگری به

روشنی رشد نفوذ چپ در راس جنبش کارگری را به نمایش میگذارد. به اعتبار این موقعیت چپ است که امروز جنبش کارگری توانسته است چنین وزن سنگینی در سیر تحولات سیاسی جامعه پیدا کند. اما علیرغم همه اینها، نگاهی به مبارزات کارگری نشان میدهد که گرایش راست میتواند به عنوان یک مانع عمل کند. دو نمونه از کارکردش را اشاره کردم، نمونه هایی دیگر از این دست زیاد است که میتوان دید چگونه باعث شده که با منحصر ماندن در چهارچوبه های قانونی مبارزه کارگران به فرسودگی کشیده شود و آنها بین مراجع مختلف دولتی پاسکاری شوند. وجود خفقان نیز زمینه های بقای چنین گرایشاتی را فراهم میکند. بنابراین نقد گرایشات راست و منزوی کردن آنها امر مهمی است که در دستور کار دائم ما قرار دارد.

انترناسیونال: جنبش کارگری در تحولات سیاسی آینده ایران چه وزن و اهمیتی می تواند داشته باشد؟

شهلا دانشفر: همانطور که در سئوالات قبلی اشاره کردم جنبش کارگری را باید در متن شرایط پر جنب و جوش امروز جامعه دید تا وزن و جایگاه آنرا دید. به عبارت روشنتر با قطبی شدن هر چه بیشتر جامعه و با وزن و جایگاهی که جنبش کارگری در صحنه سیاسی جامعه پیدا کرده است، امروز نقش این جنبش و جلوی صحنه بودن آن در رادیکالیزه شدن مبارزات و اعتراضات توده ای در جامعه تعیین کننده است. به این معنی که هر اندازه تشکلهای کارگری، هر اندازه رهبران کارگری بیشتر در جلوی صحنه جامعه باشند، هر اندازه ثقل مبارزات کارگری بیشتر شود و بالاخره اینکه هر اندازه جنبش کارگری بیشتر با



موقعیت کنونی جنبش کارگری

از صفحه ۷

در همین راستا و بویژه در شرایط سیاسی امروز جامعه، تاکید دیگر بر اعتصابات سراسری کارگری است. به نظر من هم موقعیت جنبش کارگری و هم موقعیت سیاسی جامعه دارد شرایط را برای رفتن بسوی اعتصابات سراسری کارگری فراهم میکند. واقعیت اینست که رژیم اسلامی از دل مضحکه انتخاباتش ضعیف تر و متشتت تر بیرون آمده است. به زودی نزاعهایشان بالا میگیرد و به جان هم خواهند افتاد. وضعیت اقتصاد جامعه نیز بیش از هر وقت در هم ریخته و فروپاشیده است. اولین حرف روحانی به عنوان فردی که اسمش حالا به هر دلیلی به عنوان رئیس جمهور از صندوق ها بیرون آمد، خطاب به مردم این است که فکر نکنید فوراً همه چیز درست خواهد شد، باید صبر داشت. خامنه ای نیز عیناً همین پیام را به مردم داد. اما فقر و فلاکت و در کنارش خفقان و سرکوب، امان مردم را بریده است.

مردم متعرض تر و حق به جانب تر از هر وقت ایستاده و خواستهایشان را طلب میکنند. این را شما در همان تظاهرات گسترده ای که بعد از مضحکه انتخابات در ۲۵ خرداد و نیز در جریان جشن "صعود" تیم فوتبال ایران به بازیهای جهانی در خیابان ها دیدید. دیدید که چگونه شعار زندانیان سیاسی یکی از شعاری محوری مردم بود. دیدید که در میان جشن و شادی مردم در خیابان بسیاری از دختران جوان حجاب ها را برداشته و دختر و پسر در دست هم رقصیدند و به این شکل اعتراضشان را علیه خفقان و علیه قوانین ارتجاعی اسلامی اعلام داشتند. مرگ بر دیکتاتور گفتند و شعارهای بسیاری دادند. بدین ترتیب همه شواهد حاکی از اینست که درگیری گسترده مردم با رژیم اسلامی در چشم انداز نزدیکی قرار دارد. در چنین شرایطی کارگران میتوانند با اعتصابات سراسری کل جامعه را پشت سر خود و خواستهای سراسری بسیج کنند. در چنین شرایطی اعتصابات سراسری کارگری با

همبستگی و حمایت وسیع جامعه روبرو می شود. اعتصاب سراسری کارگری ابزار قدرتمانی طبقه کارگر است. ابزاری است که کارگر می تواند بدست گیرد و جلوی صحنه سیاسی بیاید و پرچمدار خواسته های کل جامعه باشد. از همین رو اعتصابات کارگری در اوضاع سیاسی امروز میتواند فاکتور و مؤلفه مهمی برای ابراز وجود جنبش کارگری باشد و اجازه ندهد از بالای سر جامعه تصمیم گرفته شود. با قدرت اعتصابات کارگری میشود جریانات راست را از سر راه مبارزات مردم کنار زد. و جلو آمدن کارگران در چنین قامتی افق روشنی را در مقابل اعتراضات جامعه قرار میدهد. مجموعه این فاکتورها و همچنین تجربیات انقلابات منطقه، انقلابات شمال آفریقا مثل مصر و غیره، بیش از هر وقت بر نقش تعیین کننده طبقه کارگر و مبارزات کارگری در جلو صحنه سیاسی جامعه تاکید میگذارد. به همین دلیل به نظر من امروز هم به لحاظ سیاسی و اجتماعی زمینه های تدارک اعتصابات کارگری فراهم است و هم یک پاسخ و ضرورت به همین اوضاع است. خلاصه کلام در اوضاع سیاسی امروز جامعه، جنبش کارگری یک مولفه مهم در سیر تحولات سیاسی است و نقش تعیین کننده ای در سد کردن و عقب راندن آلترناتیوهای راست و

طرحهای مهندسی شده از بالای سر مردم و اینکه ایران سوریه نشود، مصر نشود و غیره را دارد. به عبارت روشنتر امروز در یک نقطه عطف سرنوشت سازی قرار داریم. با حضور طبقه کارگر در رهبری جنبش انقلابی و سرنوشتی، با دخالت فعال طبقه کارگر در سیاست، با ظاهر شدن طبقه کارگر به عنوان رهبر و پیشرو مبارزات مردم، میتوان انقلاب اجتماعی برای به زیر کشیدن رژیم اسلامی و به پا کردن یک جامعه سوسیالیستی را به جلو برد.

روشن است یک شرط مهم حضور طبقه کارگر در چنین قامتی، متحد شدن آن در صف یک حزب سیاسی رادیکال، آزادیخواه و برابری طلب است. اینجاست که من فعالین و رهبران کارگری را در چنین مقطع سرنوشت سازی فرا میخوانم که به حزب خود حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندند. از همین رو فوکوس بر روی مسایل جنبش کارگری، نقد گرایشات راست و سازشکار و شفافیت دادن به گرایش چپ و رادیکال و راهکارهایش در راس جنبش کارگری و گذاشتن تصویری روشن از خواستها و چشم انداز آتی و جامعه ای آزاد و انسانی و بالاخره تقویت رادیکالیسم و چپ در جامعه یک اولویت مهم حزب بویژه در شرایط کنونی است.*



انترناسیونال نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید!